

خبرایات

حضور پررونق یا باری به هر جهت؟



جواد طوسی

● سه ماه بیشتر به برگزاری سی‌وپنجمین «جشنواره فیلم فجر» باقی نمانده است. باز مثل همیشه، ترافیک فیلم‌های در حال فیلم‌برداری و تدوین... به وجود توصیه‌ها و پیشنهاداتی که امثال بنده مبنی بر برنامه‌ریزی در جهت حضور فیلم‌سازان مطرح و تأثیرگذار نسل‌های مختلف در بخش مسابقه جشنواره داشتیم، باز شاهد حضور غالب فیلم‌سازان جوان در چرخه تولید هستیم. طبیعتاً هر جامعه‌ای زنده و پویا باید از حضور پراکنیزه نسل جوان خود در حوزه‌های فرهنگی- هنری- علمی-آموزشی، ورزشی و... استقبال کند. جاه‌طلبی و نگاه خلاقانه این نسل در عرصه رقابت، بیشتر و بهتر جواب می‌دهد. از طرفی جامعه همچنان ملتهب و به‌دور از عدالت اجتماعی- نیاز به دیدگاه جسورانه و بی‌پروا دارد. همه اینها را گفتم تا این ذهنیت پیش نیاید که با جوان‌گرایی مخالفم. اما در قبالش آیا می‌توان تجربه‌های گران‌قدر و سخت به‌دست‌آمده فیلم‌سازان نسل میانی و قدیمی را نادیده گرفت؟ تاریخ فرهنگ و هنر یک سرزمین را ریشه‌های قرص و محکم تشکیل می‌دهد. در این نسل‌های سرد و گرم چشیده و موسفیکرده می‌توان نیروهای اصل و افکار عمیقی را دید که گاه در جایگاه یک ناظر غمخوار، نگران و روشن‌بین تاریخ قرار می‌گیرند و گاه فارغ از دو ذوق‌زدگی و خودشیفتگی و افراط‌گرایی، به نگاهی تعدیل‌یافته در فرم و محتوا رسیده‌اند. نمونه‌های این گونه فیلم‌سازان کهنه‌کار و تاریخ‌ساز و صاحب‌سبک در سینمای جهان کم نبوده‌اند که تا سال‌های آخر عمرشان تصویر و شمایل‌ی مقبول و دینی داشتند. جان فورد، چارلی چاپلین، آکیرا کوروساوا، ژان پیر بلویل، آلفرد هیچکاک، اینگر برکم، جان هیوستن، بیلی وایلدر، استیون اسپیلبرگ، فدریکو فلیزینی، فرانچسکو رزی، ژان لوک گدار، مارتن اسکورسزینی، کلیت ایستودو و... در گذر از آن همه سال و کسب تجربه‌های گوناگون و پربار به این موقعیت شاخص و تثبیت‌شده در تاریخ سینما دست یافته‌اند. تصور نمی‌کنم بر پایه این نمونه‌ها و مستندات معتبر بتوان مدعی بود که هر نسلی قائم به خود است و به گذشتگان نشه نقطه اتکا ندارد. این چنین نگرش غلطی، یعنی نفی بخشی از پیکره تاریخ و سبک‌ها و ... اساسا هرگونه نوآوری و شالوده‌شکنی در فرم و روایت نیاز به فهم و درک درست سینمای کلاسیک و سردمداران و افراد تأثیرگذارش دارد. رعایت این سلسله‌مراتب و حرمت‌نهادن به پشت‌نوله‌های فرهنگی و نیروهای استخوان‌خردکرده و خوش‌ذوق را سینمای آمریکا و آکادمی اسکارش خوب بلد است. مثلاً همین مطرح‌شدن فیلم‌ساز میان‌سال‌ی مانند ایناریتو در دوره‌های اخیر اسکار را در نظر بگیریم.

اما ما در این سال‌ها نشان داده‌ایم که فقط حرف می‌زنیم و به مناسبت‌های هرازگاه فقط بلدیم برای خالی‌نبودن عریضه و ارائه بیان کار مراسم بزرگداشت و رونمایی را به بیندازیم- و زنگی را برای یک آدم قدیمی بزینم و اصلاً به تداوم حضور مؤثر و هدفمند و هویت‌مندش کاری نداریم. عباس کیارستمی را تازه بعد از مرگ تلخش شناختیم و حلاول‌حوا کردیم و داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی و بهمن فرمان‌آرا را به امان خدا رها کرده‌ایم و همین امسال فعلاً نمایش آخرین فیلم مسعود کیمیایی (قاتل اهلی) در این دوره از جشنواره فیلم فجر محل بحث و تردید است. از فیلم‌سازان شناخته‌شده نسل میانی که حرفی برای گفتن داشته‌اند، چه تعدادشان در جشنواره امسال شرکت دارند؟ آیا با این پراکندگی و جد‌افتادگی و یک‌سویه‌نگری می‌توانیم تئور مهم‌ترین رویداد سینمایی‌مان را گرم نگه داریم؟

نشست

۱۰۰ سال با ناتالیا گینزبورگ

● شرق: امسال صدمین سال تولد ناتالیا گینزبورگ، نویسنده برجسته ایتالیایی، است. آثار وی درباره روابط خانوادگی، به‌ویژه جایگاه زن در خانواده و بر ستر جامعه است. آثار گینزبورگ در سه دهه اخیر به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده است. آثاری مانند نجوای‌های شبانه، فضیلت‌های ناچیز، شوهر عزیزم، میکله عزیز، الفبای خانواده و نوشته‌های گینزبورگ بسیار روشن و روان است و تصویر خوبی از روابط اجتماعی و اوضاع سیاسی ایتالیا در قرن بیستم برای خواننده فراهم می‌کند. در آثار گینزبورگ، موضوعات، روابط و شخصیت‌ها غالباً به یکدیگر شبیه هستند و همه آنها از زبان زنی جوان که راوی وقایع پیرامون خود است، روایت می‌شود. نشست فتهگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه ۱۱ آبان ساعت ۱۶:۳۰ و به تحلیل و بررسی زندگی و جهان داستانی گینزبورگ اختصاص دارد که با حضور کلارا کرونا، فرشته احمدی و منوچهر سادات‌افسری در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این نشست به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

شرق: در مراسمی که به مناسبت رونمایی از فیلم‌های «تعزیه»، «تمرین آخر» و «گشتی یونانی» در موزه سینما برگزار شد، اصغر فرهادی از ناصر تقوایی به عنوان فیلم‌سازی یاد کرد که توان نشان‌دادن بخشی از تاریخ معاصر ایران را دارد. به اعتقاد فرهادی، ناصر تقوایی می‌تواند تاریخ معاصر ایران را به تصویر بکشد و ای کاش فرصتی فراهم می‌شد تا بخشی از تاریخ معاصر ایران از نگاه تقوایی در قاب دوربین مطرح می‌شد. به گزارش روابطعمومی موزه سینما، فرهادی که برای ساخت تازه‌ترین اثر سینمایی خود در خارج از ایران به سر می‌گردد،

هشتم آبان با ارسال پیامی تصویری، از اکران سه فیلم «تعزیه»، «تمرین آخر» و «گشتی یونانی» به کارگردانی ناصر تقوایی ابراز خوشحالی کرد و گفت: خوشحالم که از طریق پیام تصویری می‌توانم به آقای تقوایی سلام کنم و به بهانه برگزاری مراسم تجلیل از این فیلم‌ساز، اکران آثاری از تقوایی را به مردم و سینمای ایران تبریک بگویم.

او ادامه داد: صحبت‌کردن درباره آقای تقوایی هم خیلی ساده و هم خیلی سخت است. ساده از این جهت که کافی است فقط نام فیلم و مجموعه‌هایی را که به وسیله شما ساخته شده است ببرم تا بدانیم که شما در چه جایگاهی در سینما و فرهنگ کشور من ایستاده‌اید و سخت برای اینکه شخصیت ویژه‌ای دارید و شبیه هیچ‌کس نیستید. فرهادی درباره ویژگی‌های ناصر تقوایی گفت: این فیلم‌ساز علاوه بر مهارت در هنر فیلم‌سازی، در رشته‌های دیگری نیز صاحب دانش است. ناصر تقوایی از معدود فیلم‌سازانی است که به همان اندازه که درباره سینما و نمایش صاحب دیدگاه است، درباره تاریخ به‌ویژه تاریخ معاصر صاحب دانش است. کارگردان فیلم سینمایی «فروشنده» متذکر شد: در این فرصت از یک حسرت درونی صحبت می‌کنم، در تمام سال‌های گذشته فیلمی درباره تاریخ معاصر کمتر دیده‌ایم. همیشه فکر می‌کردم اگر قرار بود نسل‌های بعدی تاریخ معاصر ما را از طریق سینما و فیلم بشناسند، فیلم‌سازی مانند ناصر تقوایی، توانایی و قدرتی منحصر‌به‌فرد دارد که به دور از اغراق، دروغ و در کمال صداقت و با نگاهی دقیق آن را تصویر کند.

فرهادی تأکید کرد: این حسرت با من است که ای کاش فرصتی در تمام چند سال گذشته فراهم می‌شد تا ناصر تقوایی بتواند از تاریخ معاصر بگوید. به عبارت بهتری ای کاش مزاحمتی نمی‌شد و می‌توانستیم بخشی از تاریخ معاصر ایران را با زبان سینما به روایت ناصر تقوایی ببینیم. کارگردان اسکارگرفته سینمای ایران با اشاره به این مطلب که اثری تاریخی مانند «دانی جان ناپلئون» همچنان دینی است، گفت:

گفت‌وگو با مجید برزگر، فیلم‌ساز

ناصر تقوایی هنوز هم می‌تواند فیلم بسازد



رضا آشفته: مجید برزگر، فیلم‌ساز، کارگردانی مراسم

تجلیل از ناصر تقوایی را در موزه سینمای ایران برعهده داشت. این مراسم به انگیزه اکران سه فیلم کوتاه «تمرین آخر»، «تعزیه» و «گشتی یونانی» در گروه سینمای هنر و تجربه برگزار شد. با این کارگردان درباره توان فیلم‌سازی ناصر تقوایی در آینده گفت‌وگو کردیم:

کا با توجه به پایه‌من‌گذاشتن جناب ناصر تقوایی و اینکه در مراسم تجلیل ایشان، گروهی از هنرمندان آرزو و درخواست کرده بودند همچنان به فیلم‌سازی بپردازد، می‌خواهیم از منظر شما بدانیم این توان فیلم‌سازی چگونه ممکن خواهد شد؟ فکر می‌کنم ناصر تقوایی همچنان می‌تواند فیلم بسازند. فکر می‌کنم که اگر یک سینمای منظم و با تشکیلاتی مشخص، داشته باشیم که این مهم به‌عنوان سینمای مستقل چه پیش و چه پس از انقلاب شکل گرفته است، با در اختیار قرارگفتن مدیر تولید، مدیر تدارکات و همچنین در اختیاربودن طراحان و بازیگران، مسیر بهتری برای کارکردن هر کارگردان حرفه‌ای از حلقه خواهد شد. این مهم برای تقوایی فراهم است و حتی خودم و تعدادی از دوستان فیلم‌ساز، در مراسم تجلیل از ایشان، اعلام آمادگی کردیم اگر بخواهد فیلم بسازد، دستیار کارگردانش خواهیم شد.

کا اگر نخواهد یا نشود، چه مسیری خواهد بود که همچنان از حضور این هنرمند فرهیخته‌به‌نفع سینمای ایران بهره‌مند شویم؟

فکر می‌کنم در این سال‌ها، قصه‌ها و داستان‌هایی نوشته که می‌تواند در اختیار کارگردان‌های دیگر قرار بگیرد و همچنین در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی نیز تدریس کرده‌اند؛ این خود به حضور تقوایی در سینمای ما معنا می‌بخشد. همچنین او در بسیاری از موارد، صاحب نظر و اندیشه است؛ اما آنچه اصل و اساس این هنرمند است و باعث حسرت ما می‌شود، کارگردانی در زمینه سینماست که باید مسیر را برای این فعالیت او باز نگه داریم.

کا ناصر تقوایی درباره کار نکردن‌ش در سینما، اظهار کرده: تا این سینما ویران نشود و از خاکسترش سینمای نازای ا نروید، دیگر کار نخواهد کرد. نظراتان

هنر



تجلیل از «تقوایی» با پیام تصویری «فرهادی»

سلام «ناخدا سینما»

سال‌ها از ساخته‌شدن مجموعه تلویزیونی «دانی جان ناپلئون» می‌گذرد و همچنان این سریال جذاب، دیدنی و قابل بحث و استناد است. به اعتقاد من سریال «دانی جان ناپلئون» توانست نگاه جدیدی را به ادبیات سیاسی عرضه کند. او ادامه داد: حرف‌های من و دوستانم در این مراسم دلگرم‌کننده است، اما مهم‌تر اینکه فیلم‌های تقوایی دوباره اکران شود تا نسل‌های بعدی که این فیلم‌ها را ندیده‌اند بتوانند این آثار را بر پرده نقره‌ای با کیفیت بهتر ببینند. نسل من به واسطه دیدن فیلم‌های بزرگانی مانند تقوایی به سینما علاقه‌مند شدند و شاید اگر آنها نبودند، ما الان حرفه دیگری داشتیم. او در پایان این پیام تصویری گفت: آقای تقوایی عزیز بابت بردباری‌ها و شکیبایی‌هایی که در همه این سال‌ها داشته‌اید سپاسگزارم و برای شما آرزوی سلامتی و تندرستی دارم و امیدوارم به‌زودی بتوانید فیلمی را که دوست دارید، بسازید. به خدا می‌سپارم‌تان و به امید دیدار به‌زودی.

پری صابری: ناصر تقوایی همیشه در اوج

پری صابری با اشاره به اهمیت‌داشتن سینمای مؤلفی‌کی که ناصر تقوایی پایه‌گذاری کرد، گفت: او در اوج ایستاد و به سمت پایین حرکت می‌کرد درحالی‌که خیلی‌ها کار می‌کردند اما بعد خسته شدند. او افزود: ناصر تقوایی برای من شخصیت بزرگی است اگرچه شاید او را کم بینم اما همیشه در قلب من جای دارد. امیدوارم او الگویی برای همه باشد که وقتی به شهرت می‌رسند پله‌پله پایین نیایند. این بخش از فیلم‌نامه «ناخدا خورشید» را محمد حیدری، مدیرعامل موزه سینما، به ناصر تقوایی اهدا کرد. یکی از بخش‌های ویژه این مراسم بخش کلیپی بود که در

بسوزانند فیلم‌های هنرمندانه و روشنفکرانه ماست اما آنها چون آشنا نبودند به نظرشان رسیده بود که اینها سوختنی است. ● یک دورانی خطر سینمایی ما را تهدید کرده است اما کلاً نمی‌دانم چرا وقتی خطری جامعه ما را تهدید می‌کند به عقب برمی‌گردیم. ● گذشته بیشتر از آینده به ما یاد می‌دهد، چراکه آینده هنوز نیامده است. حداقل اگر به طور آموزشی و جمعی چنین روشی را آموزش نمی‌دهیم، باید در میان خودمان به عنوان هنرمند، حتی اگر یک فیلم‌ساز

را دوست نداشته باشیم، وقتی دیدیم اثری با تهدید مواجه می‌شود، باید مثل کار خودمان از آن دفاع کنیم؛ چون به هر حال آن کار هم در جای خود دیده می‌شود و هیچ‌کس حق ندارد به جای کس دیگری تصمیم بگیرد.

● ما یک ملت فرهنگی هستیم. هرچند ممکن است تیراژ کتابمان پایین باشد اما روشنفکر ایرانی روشنفکر است و هرکسی در ایران خوب کار می‌کند، یک ذهنیت روشنفکری دارد اما سیستم برنامه‌ریزی به گونه‌ای است که بدون دردسر و ساده نمی‌شود کار کرد.

ساختن یا ناساختن؟

«تا زمانی‌که این سینما خراب نشود و درون خاکستر آن سینمای دیگری رویش نکند، دیگر فیلم نخواهم ساخت». اینها را تقوایی چند سال پیش بر سیاق تمثیل بر زبان راند؛ دقیقاً در دولت دهم، زمانی که برای ساخت فیلم‌نامه «زنگی و رومی» به او گفتند بودجه کافی نداریم؛ درحالی‌که اشتیاق او به قدری بود که همان زمان در حیط بنیاد سینمایی فارابی در گوش پرویز پرستویی گفت: «پرویز، الان من توانایی ساخت دو فیلم سینمایی را دارم». این روزها که ورق برگشته، شاید مدیران فارابی چنین برخورد سردی را با فیلم‌سازان پیش‌کسوت و محبوب نکنند. پس دلیل فیلم‌نساختن تقوایی چیست؟ مسعود کیمیایی در خردادای که گذشت، جواب این سؤال را به گونه‌ای داده بود: «ناصر تقوایی یک دوست کامل، محرم کامل و یک سختی‌کشیده کامل است. من همیشه مخالف بودم که چرا ناصر فیلم نمی‌سازد. اگر او فیلم بسازد، تنهایی ما را پر می‌کند و رشادتی به کار ما می‌دهد. ما از دوره‌ای نمی‌آییم که فیلم‌ها را روی موبایل داخل اتومبیل ببینیم. من نمی‌دانم چطور می‌شود سقوط امپراتوری رم را در موبایل یا اتومبیل دید؛ برای ما سینما و حرفی که می‌زنیم جدی است. تقوایی با ادبیات، فیلم کوتاه، سریال، عکاسی و فیلم بلند هر آنچه کرده از شاهکارها بوده است. تقوایی مرد طاقت است و حالا به ما می‌فهماند که علاقه‌ان رفتار کرده. ای کاش من هم مانند ناصر فیلم نمی‌ساختم...».

«یتیم‌خانه ایران» نمی‌فروشد

گیشه سرد فیلم جدید کارگردان «قلاده‌های طلا»



شرق: «قطعه‌ای حذف‌شده از تاریخ معاصر ایران» این روزها خوب نمی‌فروشد. یکی از خیرج‌ترین فیلم‌های اکران این روزهای سینما، «یتیم‌خانه ایران» است که برای ساخت آن هشت‌میلیارد تومان هزینه شده. «یتیم‌خانه ایران»، تازه‌ترین فیلم کارگردان جنجالی سینما، ابوالقاسم طالبی، است. کارگردانی که با ساخت فیلم «قلاده‌های طلا»، سروصدای زیادی در سینما به‌راه انداخت. ساخته جدید طالبی در روز افتتاحیه خود سه‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان فروخت و در روزهای پنجشنبه و جمعه هفته گذشته هم به‌ترتیب ۷۰۵ و ۱۱ میلیون تومان درآمد داشت. فروش کل آن در سه روز اول اکران به رقم ۲۲ میلیون تومان رسید. آزارین رو به نظر می‌رسد با این روند تا پایان اکران شکست سختی بخورد.

روی‌شانه‌های «فرزندصبح»

«برآورد مالی فیلم بسیار بالا بود، اما در سفری که در سوریه با پرهوز افخمی داشتیم، اتفاق‌های خوبی افتاد و آنجا با کمک او و تجهیزات و لوکیشن‌های فیلم از فیلم «فرزند صبح» توانستیم از هزینه تولید فیلم به اندازه ۹ میلیارد تومان بکاهیم؛ بنابراین بسیاری باورش‌ان نمی‌شود که ما این فیلم را با تنها هشت میلیارد تومان تولید کردیم. بازیگران خارجی را با رج‌زنی خوب به‌گونه‌ای به ایران آوردیم که هزینه تمام بازیگران خارجی ما کمتر از بازیگران ایرانی شد؛ چیزی کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان. من بازیگران خارجی فیلم را با وب‌کم و مکالمه اینترنتی با آنها انتخاب کردم تا از هزینه‌ها کاسته شود. والا می‌توانستیم ۱۰ روز به انگلیس بروم. اینها بخشی از صحبت‌های ابوالقاسم طالبی، کارگردان فیلم سینمایی «یتیم‌خانه ایران»، درباره بودجه فیلم و اتفاقا کاهش هزینه‌های فیلم است. از «یتیم‌خانه ایران» به‌عنوان یک فیلم ضدانگلیسی یاد می‌شود، فیلمی که طبق گفته‌ها وقوع هولوکاستی واقعی را در ایران روایت می‌کند. فیلمی که مدت‌زمانی طولانی مراحل فیلم‌برداری و فنی را پشت‌سر گذاشت و با وجود تبلیغات گسترده، برای نخستین نمایشش در جشنواره فیلم فجر سال گذشته، نمایش آن به دلیل نقص فنی به گفته کارگردانش، به بعد از جشنواره موکول شد و تنها تعداد اندکی از اهالی سینما و منتقدان تا پیش از اکران

چهره روز

آیین بزرگداشت قیصر امین‌پور در نیاوران

شاعر آرمان شهر

● شرق: هم‌زمان با سالروز درگذشت مرحوم دکتر قیصر امین‌پور شاعر و غزل‌سرا، شامگاه شنبه هشتم آبان آیین بزرگداشتی با همکاری دفتر شعر جوان و بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران و با حضور معاون هنری وزارت ارشاد در سالن اصلی فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار شد. به گزارش روابطعمومی بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران در این برنامه با حضور خانواده این شاعر، شخصیت‌های بزرگ فرهنگی و هنری، شاعران و اهالی فرهنگ و هنر به ایراد سخن پرداختند. سیدعباس سجادی، مدیرعامل بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران، در ابتدای این برنامه با بیان اینکه قیصر امین‌پور از نظر من انسان غریبی بود، گفت: «بشت چهره همیشه خندان وی غمی نهفته بود زیرا این شاعر بزرگ هیچ‌گاه از درد جامعه دور نبود». در ادامه مقاله دکتر نظری، استاد دانشگاه، درباره قیصر امین‌پور نیز قرائت شد؛ در بخشی از این مقاله آمده است: قیصر از معدود شاعرانی است که اخلاق و انصاف را در اشعارش رعایت کرده است. وی شاعری بوده که انقلاب را تجربه کرده ولی از شتاب‌زدگی در اشعارش اجتناب می‌کند. در اشعار قیصر می‌توان ظرایف و تعامل را دریافت کرد. قیصر شاعری است که ساکن آرمان‌شهر و سازنده آرمان‌شهر بود. قیصر جامعه‌ای آرمانی که عدالت در آن گسترده باشد طلب می‌کرد. آرمان‌شهری که پیوند میان فرد و مذهب را می‌پندارد.



چرخه‌امید و ناامیدی در ادبیات معاصر

ساعد باقری، شاعر و ترانه‌سرا در ادامه با بررسی اشعار اجتماعی نیما و قیصر امین‌پور و با بیان اینکه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، در این دوره ادبیات معاصر، گردش چرخه امید و ناامیدی کارساز است، گفت: در اشعار معاصر شاعران ایران، گردش امید و ناامیدی محرز است اما سِمَاجَت امید کارساز می‌شود. امید دوم که امید مجرب است دوباره امید نخست می‌شود و این چرخه هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود؛ یعنی در این چرخه دو بار امید را می‌توان دید. با توجه به این چرخه می‌توان چهار شعر نیما و چهار شعر قیصر امین‌پور را با هم مقایسه کرد. شعرهایی مانند پادشاه فتح، آقا توکا از نیما و اشعاری مانند میراث باستانی و نوبت از قیصر امین‌پور را می‌توان در این‌نوع اشعار دید. در این اشعار یاس مطلق وجود دارد ولی در نهایت سوسوی امید را نیز می‌توان ملاحظه کرد.

ادامه از صفحه ۹

مردم از آوازروی گردان شده‌اند؟

از آن سوی، زدن انگ‌ها و تهمت‌ها نیز شروع شد: «صدای شما خوب است، اما این شیوه دیگر می‌پسندند... خوب است شما نیز یک دوره از این شیوه را نزد فلانی آموزش ببینی، بعد بیایی ببینیم با این صدای خوب چکار می‌شود کرد...» و غافل از آنکه با وجود گذراندن این شیوه نزد همان استادان پیش‌گفته، دیگر صدایی باقی نمی‌ماند که کسی بخواهد بسا آن کاری کند و این صدا را به‌گونه‌ای عرضه کند... هرچه بود (و هست) تقلید است و تقلید و تقلید...

اینها در تمام این نزدیک به چهار دهه با مشی و مرام‌شان آواز ایرانی را به نوبه خود به شیر بی‌بال و دم بدل کردند که مردم دیگر حوصله‌شان از رودرروشدن با آن سر نمی‌رود. نیک که بنگریم، می‌بینیم این «ورشکست‌گران» درست هم می‌گویند. آخر این آوازی که اینان می‌گویند آواز نیست... سرنایی است که از گشادای‌اش نواخته می‌شود. یکی شعر را در دهانش مچاله می‌کند، دیگری اصرار بیهوده بر جیغ‌زدن دارد و مانند در اوجی که مال خودش نیست و به‌اشتباه و با هزار وسیله و ترفند به طور ناگهانی و بدون طی طریق بر فراز آن قرار گرفته... اما کیست که نداند ماندن و جاخوش‌کردن در اوج، آدابی دارد که اینان با آن سخت بیگانه‌اند...

حالا هم عجز و لایه از هر سویی شروع شده؛ بی‌آنکه این ورشکستگان به قصیر که با سوراخ‌کردن کشتی و به بهانه آنکه، «من فقط زیر پای خودم را سوراخ می‌کنم و کاری به قدرالسهم بقیه از کشتی ندارم، گور پدر کشتی و ساکنانش که زیر آب می‌روند هم کرده...» انکارنه‌انگار که این خودسانسورگران با تیغ‌هایی مهیبت‌ر و تیزتر از میزری رسمی، بی‌رحمانه به سرجان آواز افتادند و در چهار دهه کردند آنچه نباید می‌کردند. بگذاریم سا بمانیم و مویه‌های حافظ‌وار غریبانه‌مان... که اگر همتی داشتیم و نیکو بختی، خود خواهیم دانست چه باید کرد و آن گنجینه کهن را – دوباره – چگونه باید از غبار زمان برون آورد... ما برآریم شیبی دست و دعایی بکنیم/ غم هجران (خود) را چاره ز جایی بکنیم...